

قصد اجرا در تلویزیون را ندارم



محسن کیایی نویسنده فیلمنامه و بازیگر سریال خانگی «هم گناه» درباره اینکه در آینده نزدیک قرار است در تلویزیون هم سریالی بازی کند یا خیر؟ بیان کرد: گاهی سریال‌هایی پیشنهاد می‌شود اما متن خوبی نداشته و پیشنهادها از لحاظ فیلمنامه به گونه‌ای نبوده است که مرا راضی کند و بخواهم در آنها بازی کنم. وی درباره اینکه حضور پررنگ‌ترش در سال‌های اخیر در سینما چقدر مانع پذیرفتن این پیشنهادها بوده است، بیان کرد: برای من مدیوم سینما و تلویزیون فرقی ندارد و اگر نقش خوبی باشد در آن حضور

پیدا می‌کنم مثل سریال «برده‌نشین» ساخته بهروز شعبی که چند سال پیش در آن بازی کردم. کیایی همچنین در پاسخ به اینکه چندین بار مطرح شده که قرار است اجرای تاک‌شوئی را در تلویزیون بر عهده داشته باشد بیان کرد: این خبر شایعه است و فعلاً قصد اجرا ندارم. به گزارش مهر، این بازیگر خوش آتیه با اشاره به سریال «هم گناه» که این روزها در حال پخش در شبکه نمایش خانگی است و قصه و ساختار آنکه کیفیت

واکوی اظهارات مصطفی رحماندوست درباره خوراک فرهنگی مردم و نیازهایی که بر آورده نمی‌شوند

وقتی کتاب خوب، ابزار پُر اجتماعی می‌شود



«رحماندوست می‌گوید کتاب خوب برای خواندن است و باید خوانده شود، نباید در گوشه و پرتین کتابفروشی‌ها بماند و خاک بخورد، چرا که اساساً کتاب برای نمایش دادن نیست، بلکه برای خواندن است. به این مفهوم که اولین و بزرگ‌ترین هدف یک کتاب خوب این است که از داخل و پرتین، از روی قفسه‌ها و حتی از داخل یک کتابخانه بیرون بیاید و مطالعه شود و پس از آنکه این اتفاق رخ داد، کتاب می‌تواند به عنوان یک محصول خوب فرهنگی به نمایش نرزد گذاشته شود تا بقیه هم مجاب شوند که آن را تهیه کرده و بخوانند. در واقع نمایش این کتاب نیز نوعی تبلیغ برای خواندن است. این در حالی است که اگر کتابی در پرتین و یک کتابفروشی باشد، عملاً کسی از محتوایش باخبر نیست. اما اگر همان کتاب در دست فردی باشد نشانگر این است که او آن را خوانده و اتفاقاً از متن آن خوشش آمده است، به همین دلیل است که هر جا که می‌رود آن را با خود می‌برد تا به همه نشانانش دهد و بقیه را ترغیب کند که آن را تهیه کرده و مطالعه کنند

• در واقع این خانواده‌ها هستند که به جای اینکه به شعرهایی که شعر نیست، اعتراض کنند، سراغ کارهای بازاری می‌روند که ربطی به شعر کودک ندارد

رحماندوست در ادامه نکته مهم دیگری را بیان می‌کند. بیشتر بیان کرده بود که اساساً خاندان‌ها نباید به سبک کتابهایی معمولی که در حوزه شعر کودک نوشته می‌شوند بروند، راه کار این نرفتن هم این است که سطح فرهنگی و انتخاب خودشان را بالا ببرند، راه‌های فراوانی هم برای این بالا بردن وجود دارد که از میان آنها می‌توان به جستجو کردن در اینترنت، بررسی کتابهایی که در حوزه شعر کودکان نوشته می‌شوند، پرس و جو و تحقیق درباره ماهیت و خوب بودن مطالب و شعرهای کتابهای مختلف از همکاران، دوستان، آشنایان و بقیه افرادی که ممکن است درباره کتابهای خوب در حوزه کودکان (در اینجا شعر) اطلاعات بیشتری داشته باشند و ... بدیهی است وقتی خانواده‌ها با مدد جست‌ن از مواردی که عنوان شد به سطح فرهنگی و انتخابی مطلوبی دست یابند دیگر حاضر نخواهد شد که هر کتابی را برای فرزندان خود تهیه کنند، دیگر آنها فهمیده اند که فرق کتاب خوب با کتاب معمولی یا بد چیست؟ بنابراین وقت بیشتری صرف می‌کنند تا محصول ادبی بهتری برای فرزندانشان تهیه کنند. اما برسیم به نکته مهمی که در ابتدای این گزارش می‌خواستیم از زبان مصطفی رحماندوست بیان کنیم. این شاعر اینبار در این بخش عنوان می‌کند که حال که والدین دریافته‌اند که چه کتابی خوب است و چه کتابی نیست، وارد میدان عمل شده و سعی می‌کنند علاوه بر خریدن کتابهای معمولی یا بد به قول رحماندوست (کارهای بازاری) به انتشار چنین کتابهایی نیز اعتراض کنند و تا جایی که می‌توانند جلوی ادامه چاپ بی‌رویه این محصولات را بگیرند. نویسنده کتاب «فوت کوزه گری» چنین آثاری را که در حوزه شعر نوشته می‌شوند را شعر نمی‌داند و معتقد است باید به انتشار آنها اعتراض کرد. اتفاقی که بنا بر اظهارات رحماندوست به نظر می‌رسد برعکس رخ می‌دهد، به این مفهوم که نه تنها خانواده‌ها به چنین موضوعی اعتراض نمی‌کنند، بلکه به دلیل همان پایین بودن سطح فرهنگی و انتخابی جذب این کتابها شده و آنها را برای فرزندانشان خریداری می‌کنند.

• انبوهی از مردم دلشان می‌خواهد برای فرزندانشان کتاب بخرند، اما نمی‌دانند چه بخرند مثل کسی که دلش می‌خواهد غذای خوب برای فرزندش بخرد، اما تحت تأثیر تبلیغات تلویزیونی غذایی می‌بوید که ارزش غذایی ندارد. نویسنده کتاب «باغ مهربانی‌ها» در این بخش به ماجرای عدم آگاهی مردم درباره کتابهای خوب اشاره کرده و می‌گوید به این دلیل که مردم نمی‌دانند چه کتابی خوب است هنگامی که به برای خرید کتاب به کتابفروشی می‌روند یا انواع و اقسام روش‌ها مانند آزمون و خطا، هرچه زیباتر بود همان بهتر است، هرچه نام شنیدگی داشت همان بهتر است، هرچه صفحات بیشتری داشت همان بهتر است، هرچه جلد و کاغذهایش با کیفیت تر بود همان بهتر است، هرچه درشت تر چاپ شده بود همان بهتر است، هرچه کودکان‌پایش را به زمین کوئید و گفت «اینو می‌خوام» همان بهتر است و ... به خرید کتاب مبادرت

آفتاب یزد - گروه فرهنگی: چندی پیش مصطفی رحماندوست شاعر و نویسنده ادبیات کودک و نوجوان در گفتگویی درباره وضعیت ادبیات کودک خصوصاً در عرصه شعر و همچنین نیازهایی که این قشر به عنوان خوراک فرهنگی دارد و نقشی که خانواده‌ها می‌توانند در بر طرف کردن این نیاز داشته باشند، اظهاراتی را بیان کرده بود. در این گزارش بنا داریم به بررسی مهمترین بخش‌های سخنان این فعال حوزه فرهنگ و ادب بپردازیم.

• متأسفانه سطح فرهنگی و توان انتخاب خانواده‌ها خیلی بالا نیست، لذا همان‌طور که کتاب‌هایی که شامل شعرهای مهدکودکی است وارد بازار می‌شود و خریدار دارد، شعر فلان شاعر خوش قریحه هم می‌آید و خریدار دارد.

همانطور که می‌دانید کودکان یکی از مهمترین افراد در جامعه هستند، هم به این دلیل که از روحیه لطیف و باطن پاک برخوردارند و هم اینکه قرار است آینده هر سرزمینی را بسازند. بنابراین چگونگی رفتار با آنها، خوراک فرهنگی، رفتاری و روانی که در مواجهه با آنها در پیش می‌گیریم و به قول معروف به خورد آنها می‌دهیم، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، چه آنکه اگر در این مورد کم کاری یا بی‌توجهی خاصی صورت گیرد، اثرات مخرب جبران‌ناپذیری برای کودکان در پی خواهد داشت. اثراتی که ممکن است امروز هویدا نشوند، اما بی‌شک در آینده نقش مهمی در به ثمر نرسیدن آنچه امروز در ذهنمان برای کودکان می‌پرورانیم، خواهند داشت. پر واضح است یکی از ابزار مهمی که می‌توان به وسیله آن به نحو صحیحی با این روحیه لطیف و باطن پاک برخورد کرد آشنا کردن آنها با شعر و ادبیات و فرهنگ و هنر است، چرا که این حوزه‌ها در درون خود از چنان پتانسیل خوبی برخوردارند که می‌توانند در شکل‌گیری درست شخصیت کودکان نقش بسیار قدرتمند و مفیدی را بازی کنند. بدیهی است که بهترین منبع و ماخذ برای دریافت شعر و ادبیات و حتی فرهنگ خوب، کتاب است، چرا که مطالعه آن می‌تواند انسان را در برابر هر گونه تهاجم فکری و اندیشه‌ای بیگانگان محافظت کند هرچه‌دیر این مطالعات بیشتر باشد، انسان به لحاظ ایمنی و ضربه‌پذیر نبودن محکم‌تر خواهد بود. اما پرسش اساسی اینجاست که چه نوع کتابهایی می‌توانند در پرورش اندیشه‌ای و اخلاقی و رفتاری کودکان مؤثر باشند؟ بر اساس آنچه مصطفی رحماندوست بیان می‌کند پاسخ این پرسش به خود ما هم می‌گردد به این صورت که اگر سطح فرهنگی و توان انتخاب درست ما به عنوان والدین کودکان بالا باشد و به قول معروف کتاب خوب را از کتاب معمولی یا حتی ضعیف (در اینجا شعر) تشخیص دهیم، می‌توانیم امیدوار باشیم که خوراک فرهنگی خوبی برای کودکانمان فراهم کرده ایم اما اگر چنین نباشد مطمئن‌تر موقع خرید ممکن است به کتابی که عملاً بار فرهنگی خوبی ندارد و یا اصلاً به درد کودکان نمی‌خورد بسنده کرده و آن را به عنوان خوراک فرهنگی برای فرزندان تهیه کنیم و به خودمان ببالیم که رسالتمان را در قبال فرزندانمان انجام داده ایم در حالی‌که در واقعیت چنین کاری را انجام نداده ایم.

• شعرهای امروز کودک توانسته پاسخگوی نیاز بخش اعظم مخاطبان باشد

اما آنچه بیان شد یک سوی ماجراست، بخشی که مربوط به وظیفه والدین در قبال تهیه خوراک فرهنگی برای کودکان است که متأسفانه در برخی موارد درست انجام نمی‌شود. اما این موضوع سبب نمی‌شود که بیان کنیم اساساً هیچ کتاب خوبی در حوزه شعر برای کودکان منتشر نمی‌شود، چرا که بنا بر اظهارات مصطفی رحماندوست که خودش از سلسله‌ای طولانی در عرصه ادبیات کودک برخوردار است اتفاقاً آثار خوبی در این زمینه منتشر شده و بخش عظیمی از آنها نیز به دست مخاطب نیز رسیده و رضایت آنها نیز جلب شده است. بنابراین همین دلایل برخی مخاطبان مجبورند به هر محصول دم‌دستی برای کودکانشان رضایت دهند، برداشت منطقی و منصفانه‌ای نیست، چرا که کتاب خوب منتشر می‌شود، اما به این دلیل که سطح فرهنگی و توان انتخاب خانواده‌ها بالا نیست، محصول خوب فرهنگی نصیبشان نمی‌شود، چه بسا که ممکن است در فروشگاه‌ها یا کتابفروشی‌ای که پدر یا مادری برای خرید کتاب برای فرزندان به آنجا مراجعه کرده باشند کتاب‌های خوب و مفید و البته مناسب سن کودکان باشد، اما آنها درباره آن کتابها اطلاعات چندانی نداشته باشند و فقط به این بسنده کنند که مثلاً کتاب خوبی در حوزه جذابیت دارد و می‌تواند کودکان را خوشحال کند، بنابراین دیگر کاری به محتوای کتابی که آن را برای کودکان تهیه می‌کنند، ندارند. در حالی‌که این دیدگاه کاملاً اشتباه است. آنها باید بدانند عکس روی جلد کتاب ممکن است یکی دو روز برای کودکان جذابیت داشته باشد، در حالی‌که متن داخلی کتاب حتی سال‌های سال در ذهن کودکان قایم بماند. همانطور که همه ما که کودکان دیرزودیم و بزرگسالان امروز، اشعار کتابهای دوران کودکیمان را هنوز در ذهنمان داریم، اما اگر کسی از عکس روی جلد کتابهای آن زمانمان از ما سوال کند، چیز زیادی به خاطر نمی‌آوریم.

اسکور سیزی مستند می‌سازد



دهه است که دیوید جوهانسن را می‌شناسم و موسیقی او از نخستین کاری‌ها که به دالز گوش کردم برایم یک سنگ محک بوده است. همان موقع - تقریباً ده سال پیش - دیوید آنرزوی و هیجان

نشود. این فیلم داستان رسیدن جوهانسن به ایست ویلج نیویورک در اواخر دهه شصت و آغاز مسیر حرفه‌ای کاری او در صنعت موسیقی را در دهه هفتاد میلادی به تصویر می‌کشد. جوهانسن نویسنده درباره دیوید جوهانسن، نفر اول گروه موسیقی نیویورک دالز

نیویورک سیتی را به تصویر می‌کشد. به گزارش مهر به نقل از ویرجینی، این کارگردان افزود: «اجراهای زیادی از او دیده‌ام و توانستم عمق الهام موسیقی او را درک کنم. بعد از تماشای نمایش سال گذشته او در کافه کارلایل، می‌دانستم باید از آن فیلمبرداری کنم چون دیدن استعداد موسیقی این مرد خارق‌العاده بود. از نظر من آن اجرا پتانسیل حقیقی یک تجربه موسیقی زنده را در خود داشت.»

جایزه برای «بلدا»

هیئت داوران بیست و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم صوفیه به ریاست پیترو وبر کارگردان بریتانیایی «دختری با گوشواره مروارید» و «مپراطور» و ۲۰۱۲ جایزه نشان ویژه بهترین فیلمنامه را به فیلم «بلدا» نوشته و ساخته مسعود بخشی از ایران اهدا کرد. به گزارش مهر، امسال جشنواره صوفیه به شکل آنلاین و نیز در سینماهای روباز سراسر بلغارستان از ۲۵ ژوئن تا ۱۹ ژوئیه (۵ الی ۲۹ تیر) برپا است.

رویدادهای هنری

والی‌زاده و کم شدن لذت دوبله

منوچهر والی‌زاده دوبلور پیشکسوت سینما و تلویزیون درباره فعالیت‌های اخیر خود اظهار کرد: در این ایام بیشتر وقتم صرفه دوبله در نماوست، البته ایام کرونا کاملاً دنیای جدیدی را پیش روی دوبله باز کرده است که خوشایند نیست. در این دوران ما مجبوریم هر یک جداگانه به استودیو برویم و دوبله را انجام بدهیم، بدون این‌که دوبلورهای نقش‌های مقابل خود را ببینیم. این اتفاق مطلوب نیست و از لذت دوبله کاسته است. این پیشکسوت دوبله درباره دوبله‌های زیرزمینی بیان کرد: با واژه زیرزمینی موافق نیستم چون به هنر نمی‌توان صفت زیرزمینی داد. درباره افرادی که در این حوزه کار می‌کنند نیز باید بگویم آن‌ها جوانانی هستند که به این شغل علاقه دارند، اما روشی که پیش گرفتند از روی ناچاری است، چون راهی دیگر برای فعالیت در حوزه مورد نظرشان نیافتند. به گزارش صبا، والی‌زاده درباره شرایط کار در دوران کرونا گفت: تا چندی پیش به واسطه شیوع کرونا کار دوبله تعطیل شده بود و همین موضوع روی زندگی هنرمندان تأثیر منفی گذاشت اما هم‌اکنون با سرگیری کار، وضعیت کمی بهتر شده و دوبلورها قادرند با کار کردن نیازهای خانواده خود را برطرف کنند.



حبیب رضایی «روانی» خواند

حبیب رضایی فیلم سینمایی «روانی» ساخته آلفرد هیچکاک را برای ناینیایان پرده‌خوانی کرد. سینمای ویژه ناینیایان، «سونیا» گروه نسخه پرده‌خوانی شده فیلم سینمایی کلاسیک «روانی» ساخته آلفرد هیچکاک را امروز ۱۹ تیر ماه منتشر می‌کند. این فیلم امروز پنجشنبه ساعت ۱۹ از رادیو سونیا پخش خواهد شد و پس از آن، روی سایت در دسترس مخاطبان قرار خواهد گرفت. سونیا (سینمای ویژه ناینیایان) در ماه دو فیلم سینمایی کلاسیک خاطره‌انگیز را با همراهی هنرمندان پرده‌خوانی می‌کند. به گزارش ایرنا، این گروه پیش‌تر نسخه صوتی فیلم‌های سینمایی کلاسیک کارآبلانکا یا صدای سحر دولتشاهی، در دزد خرچ‌با صدای محسن بهرامی و بر باد رفته با صدای شبنم مقدمی را منتشر کرده است.



«بیگانه‌ای با من است» می‌آید

مجموعه تلویزیونی «بیگانه‌ای با من است» در تلاش است خودش را به آنتن آبان‌ماه شبکه دو سیما برساند؛ این روزها در پیش‌تولید ۱۰ قسمت پایانی، کارگردانی جدید هفته آینده مجدداً سریال را کلید می‌زند. «بیگانه‌ای با من است» عنوان سریال تلویزیونی است که به کارگردانی احمد امینی جلوی دوربین رفت. در فاز ۳۵ و ۱۰ قسمتی برای شبکه دو سیما آماده می‌شود اما مثل بسیاری از مجموعه‌های تلویزیونی و یا فیلم‌های سینمایی با مانع بزرگ کرونا هفت‌هایی متوقف شد. به گزارش تسنیم، در اردیبهشت‌ماه با بازسازی لوکیشن‌هایی در شهرک غربی گروه به کارگشت ۲۵ قسمت سریال به میز تدوین و مراحل فنی برسد.



«این سو، آن سو» در اسلواکی

سی‌ام‌تی دوره جشنواره دوسالانه فیلم‌انیمیشن «برایتسلاوا» از ۵ تا ۱۰ اکتبر ۲۰۲۰ (۸ تا ۱۳ آبان ۹۹) در کشور اسلواکی برگزار می‌شود و انیمیشن «این سو، آن سو» ساخته لیدا فضلی در بخش مسابقه بین‌الملل این رویداد به نمایش گذاشته می‌شود. مسئولان این جشنواره فیلم‌های برگزیده را با نگاه ویژه به سینمای کودک و آثار هنری انتخاب کرده و در سال حدود ۱۰۰ فیلم انیمیشن را به نمایش می‌گذارند. به گزارش مهر، این فیلم در سی و ششمین دوره جشنواره «کارتون کلاب» ایتالیا که از ۱۹ تا ۲۹ مردادماه ۹۹ در شهر ریجینی برگزار می‌شود هم شرکت دارد.

بهتری نسبت به آثار این مدیوم دارد عنوان کرد: هر کسی به دنبال این است که کار خوب بسازد چه دوستانی که کار می‌سازند و خوب از آب در نمی‌آید و چه ما که کار ساختاریم و برخی معتقدند که خوب از آب درآمده، همه در تلاشیم خروجی کار خوب باشد. با این حال به نظر خود ما خیلی برای این خروجی تلاش کردیم چون واقعاً برای فیلمنامه، قصه و انتخاب بازیگر زمان گذاشتیم.

می‌ورزند و اصلاً به این توجه نمی‌کنند که به چه منظوری کتاب می‌خرند، تمام این مواردی که بیان شد، نشان می‌دهد که منظور از خریدن کتاب همه چیز می‌تواند باشد به جز محتوای آن. یعنی اگر یک کتاب عکس زیبایی روی جلدش داشت، اما داخلش پر از سخنان بی‌بوهه، نامیدکننده، بوج و بی‌ارزش بود، اشکالی ندارد، چون ما فقط با عکس روی جلد کار داریم، بدیهی است انتخاب‌هایی که بر اساس این المان‌ها صورت گیرد انتخاب به درد نخوری هستند. نکته مهم دیگری در این بخش از سخنان رحماندوست مستتر است اینکه تمایل به خرید محصول خوب در همه خانواده‌ها وجود دارد و این یعنی همه می‌خواهند در حق فرزندان‌شان بهترین اقدام را انجام دهند، اما به دو دلیل نمی‌توانند انتخاب‌های شایسته و درخور شأنی را داشته باشند. اول اینکه در زمینه کتابهای خوب آگاهی ندارند و دوم اینکه تلاشی برای یافتن این اطلاعات انجام نمی‌دهند، بنابراین دقیقاً شبیه کسی رفتار می‌کنند که می‌خواهد برای خرید، به بازار برود، اما برای اینکه خودش را خسته نکند تمام اجناسی که نیاز دارد را از اولین مغازه می‌خرد و به خانه بر می‌گردد. حال اینکه جنس خریداری شده چقدر کیفیت دارد، چقدر خوب است و چقدر می‌تواند نیازهای او را برطرف کند، اصلاً مهم نیست، مهم خرید است که انجام شده، بقیه مسائل در حاشیه هستند.

• وقتی وضعیت اقتصادی این افراد خوب باشد، می‌تواند مثلاً ۵۰ هزار تومان پرداخت کنند و کتاب خوبی بخرند اما وقتی وضعیت اقتصادی خوبی نداشته باشد ۵۰ هزار تومان خریداری می‌کند. اما یک نکته مهم دیگر به وجود دارد که می‌تواند تأثیر بسیار مهمی در انتخاب کتابی داشته باشد که خریدنش با نخریدنش یکی است، به این مفهوم که خواندنش هیچ تأثیری در بار دانش، علمی، اخلاقی و ... در افراد خانواده‌ها کم و کوچک بزرگ ندارد. اما پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که وقتی کتاب یا کتابهایی هیچ بار فرهنگی و هنری خاصی برای هیچکدام از افراد خانواده ندارند چرا خریدنشان ادامه دارد؟ رحماندوست علت اصلی این ماجرا را وضعیت نابسامان اقتصادی می‌داند که تازه آن هم شامل خانواده‌هایی می‌شود که با وجود تورم اقتصادی هنوز به خرید کتاب مبادرت می‌ورزند یا به عبارت بهتر خیال می‌کنند که به خرید کتاب ادامه داده و اجازه گسسته شدن رشته مطالعه را نمی‌دهند. نکته کتابخانه‌ها یا پولی اندکی که برای خرید کتاب در دست دارند به جای آنکه یک کتاب نسبتاً خوب را تهیه کنند برای اینکه منفعت فرهنگی بیشتری نصیبشان شود با بخش کوچکی از آن پول چند کتاب ارزان‌تر خریداری می‌کنند به خیال اینکه آن کتابها نسبت به آن یک کتاب بار علمی بیشتری را نصیبشان می‌کند در حالی‌که در عمل چنین اتفاقی نمی‌افتد و آن خانواده‌ها با خرید آن چند نسخه کتاب متوسط در واقع هم جای خود را در خانه تنگ کرده‌اند و هم پولشان را دور ریخته‌اند.

• خبرنگاران باید کتاب خوب خواندن را به یک پز اجتماعی تبدیل کنند. تا مردم وقتی می‌خواهند برای هم زست بگیرند درباره کتاب‌هایی صحبت کنند که برای هم خریده‌اند شاید بتوان ادعا کرد که مهمترین بخش اظهارات مصطفی رحماندوست همین بخش باشد، چرا که او فارغ از همه مسائلی که درباره وضعیت نابسامان کتاب و کتابخوانی در بخش کودکان و نوجوانان و همچنین بزرگسالان بیان کرده، به مطرح کردن یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌هایش که همان خواندن کتاب خوب است، می‌پردازد. او می‌گوید کتاب خوب برای خواندن است و باید خوانده شود، نباید در گوشه و پرتین کتابفروشی‌ها بماند و تا جایی که ممکن است به نمایش دادن نیفتد. بلکه برای خواندن است. به این مفهوم که اولین و بزرگ‌ترین هدف یک کتاب خوب این است که از داخل و پرتین، از روی قفسه‌ها و حتی از داخل یک کتابخانه بیرون بیاید و مطالعه شود و پس از آنکه این اتفاق رخ داد، کتاب می‌تواند به عنوان یک محصول خوب فرهنگی به نمایش نرزد گذاشته شود تا بقیه هم مجاب شوند که آن را تهیه کرده و بخوانند. در واقع نمایش این کتاب نیز نوعی تبلیغ برای خواندن است. این در حالی است که اگر یک کتاب در پرتین و یک کتابفروشی باشد عملاً کسی از محتوایش باخبر نیست. اما اگر همان کتاب در دست فردی باشد نشانگر این است که او آن را خوانده و اتفاقاً از متن آن خوشش آمده است، به همین دلیل است که هر جا که می‌رود آن را با خود می‌برد تا به همه نشانانش دهد و بقیه را ترغیب کند که آن را تهیه کرده و مطالعه کنند.

• خیرنگاران باید کتاب خوب خواندن را به یک پز اجتماعی تبدیل کنند. تا مردم وقتی می‌خواهند برای هم زست بگیرند درباره کتاب‌هایی صحبت کنند که برای هم خریده‌اند

شاید بتوان ادعا کرد که مهمترین بخش اظهارات مصطفی رحماندوست همین بخش باشد، چرا که او فارغ از همه مسائلی که درباره وضعیت نابسامان کتاب و کتابخوانی در بخش کودکان و نوجوانان و همچنین بزرگسالان بیان کرده، به مطرح کردن یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌هایش که همان خواندن کتاب خوب است، می‌پردازد. او می‌گوید کتاب خوب برای خواندن است و باید خوانده شود، نباید در گوشه و پرتین کتابفروشی‌ها بماند و تا جایی که ممکن است به نمایش دادن نیفتد. بلکه برای خواندن است. به این مفهوم که اولین و بزرگ‌ترین هدف یک کتاب خوب این است که از داخل و پرتین، از روی قفسه‌ها و حتی از داخل یک کتابخانه بیرون بیاید و مطالعه شود و پس از آنکه این اتفاق رخ داد، کتاب می‌تواند به عنوان یک محصول خوب فرهنگی به نمایش نرزد گذاشته شود تا بقیه هم مجاب شوند که آن را تهیه کرده و بخوانند. در واقع نمایش این کتاب نیز نوعی تبلیغ برای خواندن است. این در حالی است که اگر یک کتاب در پرتین و یک کتابفروشی باشد عملاً کسی از محتوایش باخبر نیست. اما اگر همان کتاب در دست فردی باشد نشانگر این است که او آن را خوانده و اتفاقاً از متن آن خوشش آمده است، به همین دلیل است که هر جا که می‌رود آن را با خود می‌برد تا به همه نشانانش دهد و بقیه را ترغیب کند که آن را تهیه کرده و مطالعه کنند. حال ممکن است برخی بگویند آن فرد دارد با آن کتاب پُر می‌دهد که ارزش غذایی ندارد.

• انبوهی از مردم دلشان می‌خواهد برای فرزندانشان کتاب بخرند، اما نمی‌دانند چه بخرند مثل کسی که دلش می‌خواهد غذای خوب برای فرزندش بخرد، اما تحت تأثیر تبلیغات تلویزیونی غذایی می‌بوید که ارزش غذایی ندارد. نویسنده کتاب «باغ مهربانی‌ها» در این بخش به ماجرای عدم آگاهی مردم درباره کتابهای خوب اشاره کرده و می‌گوید به این دلیل که مردم نمی‌دانند چه کتابی خوب است هنگامی که به برای خرید کتاب به کتابفروشی می‌روند یا انواع و اقسام روش‌ها مانند آزمون و خطا، هرچه زیباتر بود همان بهتر است، هرچه نام شنیدگی داشت همان بهتر است، هرچه صفحات بیشتری داشت همان بهتر است، هرچه جلد و کاغذهایش با کیفیت تر بود همان بهتر است، هرچه درشت تر چاپ شده بود همان بهتر است، هرچه کودکان‌پایش را به زمین کوئید و گفت «اینو می‌خوام» همان بهتر است و ... به خرید کتاب مبادرت

«جود لا» دزد دریایی می‌شود

«جود لا» نقش کاپیتان هوک را در فیلم «پیتز پن و وندی» دیزنی برعهده می‌گیرد. این بازیگر در حال مذاکره است تا در فیلم کلاسیک دیزنی با عنوان «پیتز پن و وندی» در نقش نقش کاپیتان منفی کاپیتان هوک بازی کند. دیوید لاوری کارگردان «آودهای پیت» نیز قرار است این فیلم را کارگردانی کند. وی همچنین نویسنده فیلمنامه در کنار تویی هالبروکس و از تهیه‌کنندگان در کنار جیم وینتاکر خواهد بود.

دیزنی این فیلم را با اقتباس از انیمیشن کلاسیک سال ۱۹۵۳ خود می‌سازد که موفق‌ترین اقتباس از رمان جیم.ام.بری درباره پیتز پن بوده است. پیتز پن پسری

شاهنامه خوانی

آگاهی شدن

سلم و تور از منوچهر

بسلم و بتور آمد این آگهی که شد روشن آن تخت شاهنشاهی دل هر دو بیدادگر بر نهیب که اختر همی رفت سوی نشیب نشستند هر دو باندیشگان شده تیره روز حفا پیشگان یکایک بر آن رایشان شد درست کزان رویشان چاره بایست جست که سوی فریدون فرستند کس به یوزش کجا چاره این بود بس بستند از آن اجمن هر دوان یکی پاک دل مرد چیره زسان بدان مرد با هوش و با رای و شرم بگفتند با لایه بسیار گرم ز گنج خاور گشادند باز بدیدند هول نشیب از فرزاز ز گنج گهر تاج زر خواستند همی پشت پیلان بیاراستند به گردونه‌ها بر چه مشک و عبیر چه دیبا و دینار و خز و حریر ایبا بپست گردونکش و رنگ و بوی ز خاور بایران نهادند روی هر آن کس که بد بد در شهریار یکایک فرستادشان یادگار چون بدخته‌شان شد دل از خواسته فرستاده آمد بر آراسته بدانند نزد فریدون پیام نخست از جهانداد بردند نام که جاوید باد آفریدون شد همه فزهی ایزد او را سپرد سرش سبز باد و تنش ارجمند منش بر گذشته ز چرخ بلند بدان کان دو بدخواه بیدادگر پر از آب دیده ز شرم پندر پشیمان شده داغ دل بر گناه همی سوی پوزش نمایند راه چه گفتند داندگان خرد که هر کس که بد بد کرد کیفر برد بماند بتیمار و دل پر ز درد چوما مانده‌ایم ای شه رادمرد نوشته چنین بودمان از بوش برسم بوش اندر آمد روش هزبر جهان سوز و نر ازدها ز دام قضا هم نیاید بدو و دیگر که فرمان نایاک دیو بیزد دل از ترس کیهان خدبو بما بر چنین خیره شد رای بد که مفرز دو فرزند شد جای بد همی چشم داریم از آن تاجور که بخشایش آرد بما بر مگر اگر چه بزرگست ما را گناه به بی‌دانشی بر نهد پیشگاه و دیگر بهانه سپهر بلند که گاهی پناهست و گاهی گزند سوم دیو کاندر میان چون نوند میان بسته دارد ز بهر گزند اگر پادشا را سر از کیم ما شود پاک و روشن شود دین ما منوچهر را با سنیه گران فرستد به نزدیک خواهشگران بدان تا چون بنده به پیشش بپای باشیم جاوید و این است رای مگر کان درختی کزین کین برست باب دو دیدد توانیم شست بپویم تا آب و رنجش دهیم چو تازه شود تاج و گنجش دهیم

کوتاه از هنر

انصراف «پیشی میشی» از اکران

در حالی که قرار بود اکران فیلم «پیشی میشی» به کارگردانی حسین قناعت از ۲۵ تیرماه بر اساس مصوبه شورای صنفی نمایش زیرساخت‌های لازم برای اکران آماده است، کرونا هم فروکش کرده بود و قرار بود همه سینماها باز شوند اما حالا با گسترش دوباره کرونا و تعطیلی دوباره سینماها به خصوص در شهرستان‌ها چارهای جز انصراف از اکران نداریم. به گزارش مهر، تهیه‌کننده این فیلم «درکاریت» و «لازانی» در پایان توضیح داد: «پیشی میشی» یک فیلم مستقل است که بدون هر گونه کمک و وام دولتی ساخته شده و به عنوان بخش خصوصی اکران فیلم در این شرایط دشوار است و می‌تواند به نابودی فیلم مبدل شود. از طرف دیگر مخاطب این فیلم خانواده و کودکان هستند و با شرایطی که کرونا به وجود آورد حفظ سلامت مخاطبان سینما مهم‌تر است لذا تصمیم گرفتیم از اکران این فیلم بدهیم.